

یادداشت سر دبیر !

حال که این سطور را می نویسم جنگ در جنوب لبنان بشدت ادامه دارد. طبق اخباری که بطور روزمره به دنیا مخابره می شود آمار قربانیان و آوارگان هرروز بالا می رود. بیش از هرکسی برای میلی و پاتریک و بنی شاگردان لبنان الاصلم که در اواخر ژوئن به جنوب لبنان سفر کردند نگرانم. ترس از دیدن صندلی های خالیشان در پاییز قلم را به درد می آورد. یادم می آید وقتی با مادر پاتریک خداحافظی می کردم گفتم که مواظب خودتان باشید. با خنده تشکر کرد و گفت نگران نباشد لبنان آرام است.

اینکه انسانهای بیگناه این چنین قربانیان بی خبر جنگ هستند یک فاجعه انسانی قرن ماست. چگونه می توان در ظرف فقط چند روز این چنین زندگی انسانها را دچار چنین جنگ خانمان سوزی کرد.

حمله اسرائیل در تقابل با حزب الله اتفاق می افتد. این جنگی خانمان سوز و برعلیه مردم بی دفاع لبنان است. بیش از هزار مجروح و صدها کشته و نیم میلیون آواره نتیجه مستقیم و تاکنونی این جنگ است. دولت اسرائیل و تروریستهای اسلامی، را باید به تاوان این جنایات محاکمه کرد. این جنگ ارتجاعی یک قطب جنایتکار و میلیتاریست علیه یک قطب دیگر جنایتکار یعنی اسلام سیاسی است. جنگی برای تحمیل هژمونی و کسب قدرت در منطقه.



پروین کابلی

ثمره این جنگ جز تقویت نیروهای ارتجاعی و سرکوب نیروهای آزادیخواه و مردم فلسطین چیز دیگری نیست. دولت اسرائیل این جنایات آشکار را به پشتیبانی همپالکی ها و متحدین آمریکائی و انگلیسی اش می کند و نیروهای تروریستی اسلامی به کمک ایران و مرتجعین اسلامی در منطقه. به همین جهت باید آنها را محکوم کرد و آنها را در کشتار مردم لبنان و فلسطین مستقیما مقصر دانست. برای متوقف کردن این جنگ تنها یک راه وجود دارد و آن اینکه نیروهای مترقی و مردم آزادیخواه دنیا که در این میان قربانیان سیاستهای ارتجاعی دو قطب تروریستی هستند متحد شوند. مردم و نیروهای مترقی در دنیا جبهه سوم را سازمان داده اند که حزب کمونیست کارگری مبتکر آن است. این تنها راهی است که جامعه انسانی را از تخصصات این دو نیروی میلیتاریست و تروریست نجات خواهد داد. باید به جبهه سوم پیوست و تنها با نیروی میلیونی انسانهای آزاده و ترقی خواه می توان این جنایات را در لبنان متوقف کرد.

جنبش

مقاومت زنان در ایران

گفتگوی نشریه سکولار با آذر ماجدی



چندان وسیع و همه جانبه نبود ولی این جنبش مهر خود را بر جامعه غرب کوبید و تاثیرات آن را در کل جهان احساس کردیم. این جنبش بیش از هر چیز الگوی زن مدرن، فمینیستی، رابطه زن و مرد، انتظارات و توقعات از زن و تقسیم کار جنسی را متحول کرد.

جنبش حقوق مدنی در آمریکا، هم به تغییرات اساسی در قانون نائل آمد و هم مناسبات و انتظارات را متحول کرد.

مقصود آنست که یک الگوی از پیشی وجود ندارد. جنبش های اجتماعی دینامیزم حرکت و تحول خود را دارند و در شرایط متفاوت به شکل های مختلف حرکت و عمل می کنند. در شرایط اختناق و دیکتاتوری مذهبی ضد زن در ایران مکانیزم حرکت جنبش آزادی زن اشکال کاملا متفاوتی از جنبش آزادی زن در دهه ۶۰ در اروپا و یا دهه ۲۰ در شوروی دارد. اما تاثیر عمیق این جنبش را در شرایط اختناق و سرکوب هم حس می کنیم. به همین خاطر من آن را جنبش مقاومت نامیده ام و بعضا با جنبش مقاومت در زمان جنگ جهانی دوم در مقابل فاشیسم مقایسه کرده ام. خصلت اصلی این جنبش به ناچار از جنس مقاومت است. این مقاومت در بسیاری موارد به صورت مقاومت فردی بروز می کند و یا بنحوی خود

مبارزه است. توان و قدرت یک جنبش را لزوما با موفقیت آن در تغییر قوانین اندازه گیری نمی کنند. و تغییر قوانین نیز جوانب مختلف و کلیت تاثیر و گستردگی یک جنبش را بیان نمی کند. یک جنبش اجتماعی وسیع قادر است که فضای جامعه را متحول کند، یک جنبش وسیع اجتماعی و موثر براه اندازد و نه فقط قوانین بلکه الگوها و ارزش ها و انتظارات اجتماعی، در تصویب قوانین جدید در جامعه بازتاب پیدا می کند. تا آنجایی که به قوانین رژیم اسلامی بر می گردد ما شاهد چرخشی



در این زمینه نبودیم. این شرایط و موقعیتی که شما به آن اشاره می کنید کدام شرایط است و ویژگی های آن چیست؟ یعنی از یک طرف قوانینی ضد زن رژیم اسلامی که طی ۲۷ سال اخیر تغییری نکرده است و از جانب دیگر شما از موقعیت بالاترزان حرف می زنید.

آذر ماجدی: قطعاً تغییر قوانین یک عرصه مهم تحولات اجتماعی و سیاسی در جامعه جنبش های اجتماعی برای تغییر و تحول در جامعه مبارزه می کنند، تغییر قوانین و تصویب مطالبات جنبش معین در شکل قوانین یکی از جبهه های نبرد و یکی از عرصه های مهم

سکولار: آذر ماجدی شما در مصاحبه با نشریه انترناسیونال مدعی هستید که "زن در جامعه ایران از موقعیت بالاتری نسبت به چهره زن رسمی اسلامی برخوردار است. و این تفاوت بخاطر وجود یک جنبش قوی مقاومت و یک جنبش دفاع از حقوق زن و با به عبارتی دیگر جنبش آزادی زن است" ولی معمولا کسب و به کرسی نشان دادن حقوق اجتماعی، در تصویب قوانین جدید در جامعه بازتاب پیدا می کند. تا آنجایی که به قوانین رژیم اسلامی بر می گردد ما شاهد چرخشی

در این زمینه نبودیم. این شرایط و موقعیتی که شما به آن اشاره می کنید کدام شرایط است و ویژگی های آن چیست؟ یعنی از یک طرف قوانینی ضد زن رژیم اسلامی که طی ۲۷ سال اخیر تغییری نکرده است و از جانب دیگر شما از موقعیت بالاترزان حرف می زنید.

آذر ماجدی: قطعاً تغییر قوانین یک عرصه مهم تحولات اجتماعی و سیاسی در جامعه جنبش های اجتماعی برای تغییر و تحول در جامعه مبارزه می کنند، تغییر قوانین و تصویب مطالبات جنبش معین در شکل قوانین یکی از جبهه های نبرد و یکی از عرصه های مهم



گنجی کی به ۳۰ خرداد می‌رسد؟

از نشریه اینترنتی یادداشت، شماره 4

آذر ماجدی

یکی از ارکان نظام سرکوب جمهوری اسلامی بر شکستن انسان‌ها و تبدیل آنها به "تواب" بنیان گذاشته شده است. شکنجه و اسارت در زندان‌های مخوف، اعدام‌های دستجمعی و گورهای دستجمعی کافی نبود. باید انسانها می‌شکستند، خرد می‌کردند و بر اعتقاداتشان نفرین می‌فرستادند. این سیستم اسلامی سرکوب است. این نظام سیستماتیک سرکوب خشن و خونین اسلامی از 30 خرداد 60 تشبیت شد. بیش از صد هزار اعدام یکی از محصولات نظام اسلامی است. اکنون چند سالی است که پدیده "تواب سازی" از دستور رژیم خارج شده است. زیرا شرایط متحول شده است. توازن قوا بنفع مردم تغییر کرده است. "تواب سازی" دیگر نه میسر است و نه کارساز. اما اکنون ما با پدیده "توابیت" از نوع دوم روبرویم. گنجی یکی از اینها است. گنجی یکی از عناصر اولیه سرکوب و سازمانیابی جمهوری اسلامی است. از همان ابتدای سرکار آمدن رژیم اسلامی گنجی با تمام وجود به خدمت این رژیم درآمد. از سازمان دهندگان سپاه پاسداران بود. در

زمان کشت و کشتار 30 خرداد بخشی از گشت سپاه و بازجوی اوین بود. بعداً "روشنفکر" شد. پاسدار- ژورنالیست شد. "ولتر" اسلامی شد. بعد از کنفرانس برلین به زندان افتاد. در زندان "صدای انقلاب" مردم را شنید. اول قتل‌های زنجیره‌ای را محکوم کرد. بعد از سکولاریسم دفاع کرد. اخیراً امامزاده خواب نما شده و به سالهای 67 رسیده. اعدام‌های سال 67 را هم محکوم کرده است. باید دید کی وقت 30 خرداد می‌رسد. آیا هیچگاه نوبت 30 خرداد می‌شود؟ آیا هیچگاه به جنایات خود اعتراف خواهد کرد؟ آیا هیچگاه از مردم، از قربانیان کشتار رژیم در 30 خرداد و پس از آن بخشش خواهد خواست؟ آیا جنایاتی را که خود در آن نقش مستقیم داشته است محکوم خواهد کرد؟ عقب نشینی‌های گنجی به جلونه نتیجه آزادیخواهی او، بلکه محصول پیشروی جنبش مردم برای آزادی و برابری است. گنجی وقتی به 30 خرداد می‌رسد که محاکمات سران رژیم آغاز شده است.

برنامه تلویزیونی برای آزادی زن

برنامه تلویزیونی **برای آزادی زن** روزهای سه شنبه ساعت نه و نیم صبح به وقت تهران از کانال یک پخش میشود.

برنامه‌های **برای آزادی زن** همچنین در کانال جدید روزهای دوشنبه و جمعه ساعت نه و نیم شب به وقت تهران پخش میگردد.

برای آزادی زن برنامه‌ای است در نقد زن ستیزی و مرد سالاری و در دفاع از آزادی و برابری زن و مرد. برای آزادی زن سنن، قوانین، نظرات، افکار و بینش مرد سالار را به مصاف می‌طلبد. برای آزادی زن از رهبران، فعالین و صاحب نظران جنبش آزادی زن برای شرکت در مصاحبه‌ها و میزگردها دعوت میکند. نظرات، پیشنهادات و سوالات خود را با ما در میان بگذارید.



سازمان آزادی زن برگزار می‌کند

بدینوسیله به اطلاع همه علاقمندان می‌رسانیم که سازمان آزادی زن کنفرانس سالانه خود را در روزهای جمعه 1 و شنبه 2 سپتامبر در گوتنبرگ سوئد برگزار می‌کند.

شرکت در این کنفرانس برای همگان آزاد است.

دوستانی که برای شرکت در کنفرانس به محل خواب**احتیاج دارند حتما باید تا تاریخ 15 اوت به ما اطلاع دهند.**

برای اطلاعات بیشتر می‌توانید با پروین کابلی مدیر اجرایی سازمان

آزادی زن با شماره تلفن 0046707744020 (۰۰۴۶-۷۰۷۷۴)

۴۰۲۰ یا آدرس ای‌میل parvinkaboli@yahoo.se

تماس بگیرید.

سازمان آزادی زن 27 ژوئیه 2006

به سازمان آزادی زن بپیوندید**حکم وحشیانه سنگسار****اشرف کلهری باید لغو****شود!**



خلاصی از شرایط طاقت فرسایی که خانواده به او تحمیل می‌کند دست به خودکشی می‌زند. بعضا بعنوان اعتراض اقدام به خودکشی می‌کنند. این نوع خودکشی‌ها مشخصا علل اجتماعی دارند. و راه حل مقابله با آنها نیز در سطح پایه ای اجتماعی است. ولی روشن است که هر مورد از افسردگی را باید تحت درمان قرار داد.

یک دلیل دیگر بالا بودن آمار خودکشی نبود یک سیستم پزشکی - درمانی مجهز و در دسترس است. چون اکثریت کسانی که دچار افسردگی هستند قابل معالجه‌اند، یا بهرحال با دارو و تراپی وضعیت آنها را تحت کنترل نگاه می‌دارند. کسانی که دچار افسردگی شدید هستند و خطر آن می‌رود که اقدام به خودکشی کنند باید بطور دائم تحت مراقبت باشند. در ایران اکثریت مردم به ابتدایی ترین امکانات پزشکی دسترسی ندارند. فقدان یک بیمه درمانی همگانی یک دلیل دیگر آمار بالای خودکشی است.

صیغه تحقیر رسمی و آشکار زنان است. صرفا در جامعه ای که زن از جایگاهی فرودست برخوردار است می‌توان چنین پدیده‌ای را معمول کرد. بطور آشکار هم مشاهده می‌کنیم که زنان صرفا از روی نیاز صیغه می‌شوند. برای آنها صیغه یک راه تامین معاش خود و بعضا بچه‌هایشان است. از نظر ارزشهای حاکم در جامعه نیز زنی که صیغه شده است از مرتبه و احترام اجتماعی پایین‌تری برخوردار است.

دنامه در صفحه ۴

به زنان برمی‌گردد، بجز دلایل عمومی فقر مطلق، خفقان و اختناق سیاسی و فرهنگی، ناامیدی و بی‌افقی، موقعیت تحت ستم و سرکوب شده زنان چنان افق تاریک و سیاهی را در مقابل آنان قرار می‌دهد که فرار از افسردگی را بسیار سخت می‌کند. خشونت وسیع علیه زنان چه در سطح اجتماع و چه در خانواده یک دلیل بسیار مهم دیگر افسردگی در میان زنان است. تحقیقات نشان داده است که زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند دچار افسردگی شدید می‌شوند و درمان آنها متضمن یک پروسه سخت و پیچیده است. در ایران در بسیاری موارد شاهد هستیم که دختری برای تن ندادن به ازدواج اجباری، برای

خودکشی می‌زند. در ایران آمار افسردگی بسیار بالا است، به ویژه میان زنان و دختران. افسردگی یک بیماری روانی است که دلایل مختلفی دارد. بعضا دلایل ژنتیکی یا دلایل فیزیولوژیک دارد. ولی بسیاری از بیماری‌های روانی بخاطر شرایط زندگی است. فرضا عموم کسانی که عزیز را از دست می‌دهند برای دوره ای دچار افسردگی می‌شوند، یا شکست عشقی، شکست در کار و غیره افسردگی بدنبال دارد.

اما به ایران که نگاه می‌کنیم متوجه یک اپیدمی افسردگی و خودکشی می‌شویم. به نظر من علت این پدیده را باید در شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم در جامعه جستجو کرد. تا آنجا که

مناسفم که باید بگویم حتی رقم بالای خودکشی در میان زنان خود بروزی از این جنبش مقاومت است، بروزی یاس آور و مستاصلانه، اما مقاومت. حتی روابط و مناسبات زن و مرد هم در جامعه تغییر کرده است. تغییر قوانین اما در ایران بشکل رقم قابل اجرا نیست. تغییر قوانین تنها در صورت سرنگونی جمهوری اسلامی امکان پذیر است. جنبش آزادی زن آنچنان رشد کرده است که بمحض سرنگونی جمهوری اسلامی قادر خواهیم بود رادیکالترین قوانین را در عرصه برابری جنسی و آزادی زن در ایران تصویب کنیم.

سکولار: پدیده خودکشی و مسله صیغه و چند همسری از معضلات بزرگ جامعه ایران هستند. من آماری را چند هفته پیش در مورد خودکشی زنان در ایران دیدم واقعا تکان دهنده است. این چه پدیده‌ای است؟ چرا اینگونه وسیع شده است؟ در مورد صیغه؛ چه می‌گویید؟ این هم پدیده‌ای است که زنان روزانه با آن درگیر هستند. از یکطرف آمار طلاق بالا رفته است از طرف دیگر صیغه در جامعه شیوع پیدا کرده است. برخی جریانات با اشاره به همین مسله معتقدند که چون جامعه مذهبی است زنان به چند همسری تمکین می‌کنند. شما در این مورد چه می‌گویید؟ فراخوانتان در این مورد چیست؟ بعضی‌ها استدلال می‌کنند که زنان در ایران هیچگونه تامین اجتماعی ندارند و با صیغه شدن در واقع خود را از مهلکه فقر اقتصادی بدر می‌کنند شما چه استدلالی در این مورد دارید؟

آذر ماحدی: خودکشی نتیجه افسردگی شدید است. کسانی که دچار افسردگی شدید هستند بعضا دست به

بخودی اشکال جمعی به خود می‌گیرد. نقش سازمانیابی و سازماندهی در آن بسیار ضعیف است. مقاومت در مقابل حجاب و آپارتاید جنسی یکی از جنبه‌های اصلی نبرد این جنبش است. به نظر من مد جدید لباسی که بخصوص نسل جوان ابداع کرده است یکی از بروزات این تغییر و تفاوتی است که من به آن اشاره کردم. الگوی زن رسمی اسلامی را با لباس پوشیدن زنان جوان مقایسه کنید، متوجه صحبت من می‌شوید. شرکت زنان در مسابقات ورزشی، دو و میدانی، فوتبال، ورزش‌های رزمی و غیره، تعداد ورودی‌های دختر به دانشگاه‌ها و مدارس عالی، حضور و نحوه بروز و بیان زنان در مبارزات، اعتراضات و تجمعات اجتماعی و سیاسی، اعتماد به نفسی که نسل جوان علیرغم سرکوب خشن و تحقیر وسیع ضد زن حاکم از خود نشان می‌دهد، اینها همه تفاوت نقش واقعی زن در اجتماع از منظر نسل جوان را با الگوی رسمی اسلامی زنان نشان می‌دهد. یک ناظر خارجی که قوانین حاکم را مطالعه کرده باشد، تصویر زن در عربستان سعودی را از زن در ایران خواهد داشت، ولی با یک سفر به ایران، دیدن یک فیلم کوتاه از خیابان‌های ایران، و دیدن عکس بلافاصله ادعان خواهد کرد که تفاوت بسیاری وجود دارد. این آن تفاوتی است که من به آن اشاره دارم.

جنبش آزادی زن درنبرد با ارزشهای حاکم، در مبارزه برای دستیابی به آزادی و برابری، در مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی، در تلاش برای تامین معاش بطور مستقل، جامعه را متحول کرده است، ارزش‌های حاکم را به رعشه انداخته است، الگوی زن اسلامی را به مصادف طلبیده و باطل اعلام کرده است.

پیش به سوی آزادی زن!

جمع‌های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع‌های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایانتان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

از سایت آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.com

جنبش مقاومت زنان ...

از صفحه ۲

صیغه برابر است با نیازمندی و تحقیر زن. صیغه یک روش اسلامی دیگر برای تحقیر زن و برای فرودست کردن زن در مقابل مرد و برتر قرار دادن مرد نسبت به زن است. زن صیغه از حقوق ناچیزی که زن بطور کلی طبق قوانین اسلام از آن برخوردار است نیز محروم است.

شکی نیست که صیغه باید ملغی شود. یک جامعه آزاد و متمدن صیغه را ممنوع خواهد کرد. در جامعه‌ای که زن و مرد برابر باشند و زنان از آزادی برخوردار باشند، صیغه کاملاً برمی‌افتد و به یک پدیده عتیق بدل می‌شود. با برقراری یک سیستم رفاه اجتماعی در جامعه زنان نیازی به تن دادن به صیغه ندارند. تغییر فرهنگ و ارزش‌های حاکم عقب ماندگیها و تعصباتی که زن "مطلقه" و بیوه را پست‌تر تلقی می‌کند از جامعه از می‌زداید. لذا زنی که از همسرش جدا می‌شود یا او را از دست می‌دهد، مثل هر انسان دیگر به زندگی خود ادامه خواهد داد و می‌تواند رابطه دیگری با مرد دیگری برقرار کند، بدون اینکه احساس تحقیر و کم‌ارزشی بکند. باین ترتیب پایه‌های مادی تدوام صیغه از بین خواهد رفت.

سکولار: آذر ماجدی بعنوان آخرین سوال؛ در مورد پدیده دختران فراری در ایران بحث‌های وسیعی شده است. برخی معتقدند که این یک ناهنجار اجتماعی است و آنرا نکوهش می‌کنند؛ برخی دختران فراری را قربانیان وضعیت کنونی جامعه و حاکمیت رژیم اسلامی می‌دانند و دسته‌ای معتقدند که فرار دختران جوان از خانه بخشی از مبارزه‌ای است که زنان در جامعه

دارند به پیش می‌برند. تحلیل شما در این مورد چیست: **آذر ماجدی:** بنظر من در هر سه دیدگاهی که شما در سوالات مطرح کردید حقیقت وجود دارد. قطعاً وجود کودکان فراری، بی‌سرپرست، آواره و رها شده در خیابان‌ها یکی از مهمترین معضلات اجتماعی یک جامعه است که باید سریعاً و به انسانی‌ترین شکلی به آن پاسخ گفت. این واقعیت که در یک جامعه مساله کودکان فراری به یک پدیده وسیع اجتماعی بدل می‌شود بیانگر نقصان بسیار اساسی در مناسبات این جامعه است. این کودکان قطعاً قربانیان یک جامعه بیمار هستند، جامعه‌ای که در چنگال معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اسیر است. مناسبات حاکم در جامعه و دولت و نظام حاکم و اوضاع اقتصادی نابسامان همگی در سوق دادن این کودکان به این وضعیت مسئول و مقصرند.

در عین حال این وضعیت می‌تواند بیانگر این واقعیت نیز باشد که آگاهی، توقع و انتظار در جامعه رشد کرده است. به این صورت که کودکان ونوجوانان حاضر نیستند شرایط سخت‌گیرانه و تحقیرآمیزی که در بعضی خانواده‌ها به آنها بخصوص دختران تحمیل می‌شود را تحمل کنند و برای یافتن شرایط بهتر و آزادتر از خانه فرار می‌کنند. همانگونه که در سوال پیشین اشاره کردیم که خودکشی یکی درمیان زنان و دختران یک جنبه اعتراض و مقاومت دارد، درمورد مساله کودکان فراری، به ویژه دختران فراری نیز می‌توان این جنبه را دید. ۳۰ سال پیش فرار در

میان دختران و خانواده‌های سختگیر و متعصب اینچنین رواج نداشت، یا فرضاً بعنوان اعتراض به سختگیری و زورگویی‌ها ما با پدیده خودکشی به این صورت مواجه نبودیم. رشد جنبش آزادیخواهانه، جنبش آزادی زن، و جنبش ضد مذهبی و خلاصی فرهنگی درمیان جوانان بر بنیان‌های اجتماعی و شالوده‌های ارزشی - فرهنگی جامعه تأثیرات جدی گذاشته است. ارزشها و فرهنگ حاکم بر جامعه با فرهنگی که در جامعه، بخصوص میان جوانان در حال شکل‌گیری است کاملاً در تناقض قرار دارد. این تناقض به اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد، در مبارزه و اعتراض سیاسی به شرایط حاکم و همچنین به اشکال مخرب و بصورت خود آزاری، بصورت خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و فرار از خانه و آواره شده در خیابان‌ها و عملاً تبدیل شدن به طعمه‌ای در دست جانورهای سودجو.

یکی از ترازیک‌ترین وجوه ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه همین واقعیت‌های تلخ اجتماعی است. میلیون‌ها نفر هر روزه قربانی این شرایط هستند. فحشاء، اعتیاد، افسردگی، خودکشی و کارتن خوابی. تنها راه خلاصی از این شرایط دهشتناک رها شدن از جمهوری اسلامی است. آنگاه در یک جامعه آزاد و انسانی ما فقط شاهد وجوه مثبت و تأثیرات مثبت این جنبش‌ها خواهیم بود. تنها در یک شرایط آزاد و انسانی این جنبش‌ها می‌توانند به شکلی سازنده و خلاق رشد و بروز کنند.



به یاد ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ میدان هفتم تیر

شونه می‌کنه
موی پریشون
آخرش یه شب
ماه می‌یاد بیرون
از سر اون کوه
پالای دره
روی (این میدون)
رد میشه خندون
یه شب ماه میاد

یه شب مهتاب
ماه می‌یاد تو خواب
منو می‌بره
کوچه به کوچه
باغ انگوری
باغ آلوده
دره به دره صحرا به
صحرا
اونجا که شب
بشت میشه‌ها
یه پری می‌یاد
ترسون و لرزون
پاشو می‌زاره
تو آب چشمه

(ا. بامداد)

به نقل از وب سایت
جنسیت کمشده

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سر دبیر نشریه
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 02

دستیاران سر دبیر
نیاز قاندی
اسماعیل اوجی